

دوفصلنامه علمی حدیث پژوهی

سال ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، شماره ۲۴

مقاله علمی پژوهشی

صفحات: ۲۸۵-۳۱۲

بررسی سندی و دلالتی حدیث موسوم به سبب معراج و بازتاب آن در شعر شاعران آیینی

رضا شجری*

الهام عربشاهی کاشی**

◀ چکیده

حدیث اعطای سبب بهشتی به پیامبر ﷺ در معراج و تأثیر آن در شکل‌گیری نطفه حضرت زهرا علیها السلام با اینکه در بسیاری از منابع اسلامی ذکر شده، باز هم عده‌ای با دیده تردید یا انکار بدان نگرسته و آن را متروک، مرسل و ضعیف دانسته و از نقل آن خودداری کرده‌اند. اما اغلب مفسران و دانشمندان اسلامی، ضعف از جهت مضمون را با تقویت و دلالت روایات فراوان دیگر، برطرف و نتایج قابل توجهی را از متن آن استنتاج کرده‌اند. یکی از اشکالات وارد بر این حدیث، آن است که اکثر صحابه و تابعین، زمان معراج را در بازه سال‌های دهم تا دوازدهم بعثت دانسته‌اند که در این زمان با توجه به نقل مشهور درباره زمان تولد حضرت زهرا علیها السلام، سال پنجم بعثت، ایشان تقریباً هفت‌ساله بوده‌اند. از این رو، حدیث مذکور را از درجه اعتبار ساقط دانسته‌اند. این نگاشته، علاوه بر بررسی سیر تاریخی این حدیث و اختلاف آراء مفسران و اندیشمندان اسلامی درباره زمان معراج و تولد حضرت زهرا علیها السلام در متون و منابع اسلامی، سعی دارد تا ضمن اثبات مسئله تعدد معراج، بازتاب این حدیث را به دلیل شهرت فراوانش، در شعر شاعران آیینی، تحلیل و بررسی کند.

◀ **کلیدواژه‌ها:** معراج پیامبر ﷺ، حضرت زهرا علیها السلام، حدیث سبب بهشتی، شعر آیینی.

* دانشجویار دانشگاه کاشان، نویسنده مسئول / Rshajari@yahoo.co.uk

** دانش‌آموخته دکتری ادبیات و زبان فارسی دانشگاه کاشان / e.arabshahi@yahoo.com

۱. بیان مسئله

حدیث سبب معراج از احادیثی است که در متون دینی و منابع معتبر اسلامی به کرات آمده است. این حدیث اگرچه از نظر سند مرسل است، نقل آن در کتب معتبر توانسته مشکل سندی آن را رفع کند. این حدیث در بحار الانوار بدین شرح ذکر شده است: «ع: قطان، عن السکری، عن الجوهری، عن ابن عماره عن ابيه عن جابر، عن ابي جعفر ع عن جابر بن عبد الله قال: قيل يا رسول الله انك تلثم فاطمة و تلزمها و تدنيه منك و تفعل بها ما لا تفعله بأحد من بناتك؟ فقال: إن جبرائيل ع أتاني بتفاحه من تفاح الجنة فأكلتها فتحولت ماء في صلبی ثم واقعت خدیجه فحملت بفاطمه فأنا أشم منها رائحة الجنة.» (مجلسی، ۱۴۱۲ق، ج ۴۳، ص ۲۰۵) اما در کتب حدیثی، روایت‌های متفاوتی با سلسله روایان مختلف درباره این حدیث وجود دارد که صرف نظر از اختلاف در جزئیاتی مانند نوع میوه (سیب، خرما، به) و نیز مکان تناول این میوه (بهشت آسمانی یا زمین)، می‌توان چنین نتیجه گرفت که تناول این میوه در پیدایش نطفه حضرت زهرا علیها السلام مؤثر بوده است. البته درباره ابعاد بیرونی این حدیث مانند زمان معراج و زمان تولد حضرت زهرا علیها السلام اختلاف نظرهای زیادی وجود دارد که با در نظر گرفتن شواهد نقلی و عقلی، می‌توان دو قول شایع درباره تاریخ وقوع معراج یعنی سال‌های آغازین بعثت و نیز سال‌های پایانی قبل از هجرت را معتبر دانست؛ زیرا دلایلی مانند بازگشت حضرت رسول صلی الله علیه و آله از معراج به منزل خدیجه علیها السلام و خواندن نمازهای دوگانه توسط حضرت علی علیه السلام ده سال قبل از هجرت، مؤید قول اول و شروع سیر آسمانی از منزل ام هانی و زمان وجوب نمازهای واجب یومیه برای همه مسلمانان، مؤید قول دوم است اما طبق نظر مشهور و آراء همه اصحاب، تابعین و دانشمندان جهان اسلام و ارباب تفاسیر مانند علامه طباطبایی، زمان سفر معراج قبل از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و از مکه بوده است. (طباطبایی، ۱۳۵۳، ج ۲۵، ص ۵۳-۵۴)

طبق قول مشهور هم‌زمان معراج ۱۲ سال بعد از بعثت یا ۱۰ سال پس از آن در شعب ایطالب و تولد حضرت زهرا علیها السلام هم طبق معتبرترین اسناد تاریخی سال پنجم بعثت بوده است که در این صورت حضرت زهرا علیها السلام در زمان وقوع معراج ۵ تا ۷ سال داشته‌اند؛ از این رو عده‌ای از محققان، به حدیث مذکور اعتنا نکرده و از ذکر آن

اجتناب کرده‌اند. از این رو، بررسی سندی و دلالتی حدیث سیب و انطباق‌پذیری آن با آراء مشهور و بازتاب آن در شعر آیینی از طریق پاسخ‌گویی به سه سؤال زیر از اهداف این پژوهش است:

۱. اگر معراج در سال‌های پایانی بعثت روی داده است، چه طور می‌تواند با حدیث سیب، سازگاری و انطباق یابد؟
۲. چگونه می‌توان با اثبات مسئله تعدد معراج، به اختلاف آراء در این حوزه پایان داد و راهکاری برای جمع این حدیث با زمان وقوع معراج و زمان تولد حضرت زهرا علیها السلام پیدا کرد؟
۳. بازتاب این حدیث در شعر آیینی چگونه بوده و آنچه در ادبیات آیینی آمده تا چه اندازه با منابع اسلامی مطابقت دارد؟

به عبارت دیگر، اگرچه غرض اولیه این نگاشته، بررسی آسیب‌شناسی شعر شاعران آیینی بوده، برای اثبات آسیب نیاز به بررسی سندی و دلالتی حدیث داشته تا منشأ و منبع پیدایش این‌گونه اشعار مشخص شود. با توجه به شهرت این حدیث در کتب روایی و اسلامی، نمی‌توان به راحتی آن را رد یا انکار کرد و باید راه توجیه را برای آن باز گذاشت.

۲. مقدمه

حدیث سیب معراج در کتب معتبر شیعه و سنی ذکر شده است؛ چنان‌که در *علل الشرایع*، *امالی* شیخ صدوق، *المستدرک*، *کنز العمال* و *الدر المثور* و سایر منابع روایی شیعه و سنی و تفاسیر قرآنی بدان اشاره شده است.^۱ چنان‌که سلمان فارسی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که حضرت در شبی که به آسمان رفتند از رایحه سیبی سیصد هزار ساله متعجب شدند پس گروهی از ملائکه آن را به عنوان هدیه پروردگار متعال برای ایشان آوردند. حضرت، سیب را زیر بال جبرئیل قرار داد و در بازگشت به زمین آن را میل فرمودند که آب این سیب در صلبشان جمع و در تکوین نطفه حضرت زهرا علیها السلام مؤثر واقع شد. (حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۳۷) البته اختلافاتی در تعداد معراج، نوع میوه (خرما، انگور، سیب، به)، مکان معراج اصلی (آسمان یا زمین بودن)، سند حدیث، تاریخ وقوع معراج و تولد حضرت زهرا علیها السلام نقل شده که بسیار حائز اهمیت است. همچنین

جان احمدی نقل می‌کند که این داستان قدیمی، دست‌کم به زمان حیات «غلابی» (متوفای ۲۹۸ق/۹۱۰م) برمی‌گردد و اختلافات بسیاری در روایت بر سر نوع میوه هست اما با توجه به منابع اسلامی و راویان حدیث، پیامبر صلی الله علیه و آله در شب معراج، میوه‌ای بهشتی را تناول فرموده‌اند که در شکل‌گیری نطفه حضرت فاطمه علیها السلام مؤثر واقع شده است. (جان احمدی، ۱۳۸۸ش، ص ۲۲۷ و ۲۹۸) شهرت روایت به گونه‌ای است که در حوزه شعر آیینی هم راه یافته است و شاعران آیینی هم در برخورد با این روایت به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول شاعرانی هستند که به نوع میوه اشاره کرده و مکان اعطای آن را به صورت سر بسته بیان کرده‌اند. دسته دوم شاعرانی هستند که بیشتر به خلقت نوری حضرت زهرا علیها السلام توجه داشته و سعی کرده‌اند تا القابی مانند «فاطمه منصوره» و «انسیه الحوراء» در شعرشان ذکر شود. برخی افراد بیش از یک بار بودن واقعه معراج را نمی‌پذیرند و با توجه به نقل مشهور که زمان معراج را سال دوازدهم بعثت دانسته؛ ایشان نتوانسته‌اند ناسازگاری این حدیث را با زمان ولادت حضرت زهرا علیها السلام توجیه کنند. اما عده‌ای دیگر، مسئله تعدد معراج را پذیرفته و بدان اذعان کرده‌اند. نگارندگان هم سعی کرده‌اند با استناد به این مسئله، اشکالات وارده به این حدیث را رفع کنند.

۲-۱. پیشینه تحقیق

در بسیاری از منابع اسلامی به‌ویژه تفاسیر روایی به مسئله تعدد معراج و حدیث سبب اشاره شده، ولی هیچ‌یک به‌طور اختصاصی به بررسی سندی و دلالتی آن نپرداخته‌اند. البته درباره معراج و ابعاد مختلف آن، پژوهش‌های فراوانی انجام و در این مقاله، به برخی از آن‌ها اشاره شده است. قرموشی (۱۴۱۸ق) در *الاسراء و المعراج و مسائل العقیده فیهما* به تحقیق جامعی درباره روایات معراج، زمان، مکان و کیفیت وقوع آن پرداخته است. اما درباره اثبات صحت حدیث سبب در شب معراج از طریق بررسی و تحلیل تاریخی آن و نیز بازتاب این حدیث در شعر آیینی، تاکنون اثر مستقلی انجام نشده است. از این رو، نگارندگان کوشیده‌اند تا ضمن بررسی سندی و دلالتی حدیث سبب و اثبات مسئله تعدد معراج، بازتاب آن را در شعر شاعران آیینی هم تحلیل کنند.

۲-۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت این پژوهش آن است که نگارندگان با تحقیق در متون معتبر روایی شیعه و

سنی با استفاده از روش تحلیلی تلفیقی، حدیث سبب و تطابق زمانی آن را با واقعه معراج و تولد حضرت زهرا علیها السلام بررسی و از طریق نتایج به دست آمده، بسیاری از آرای مفسران را تأیید کرده و بازتاب این واقعه را در شعر آیینی کاشان نشان داده‌اند.

۳. اختلاف روایات در مسئله تعداد معراج

در این مقاله، واقعه معراج و اسراء طبق نظر مشهور یکی است و با توجه به مقبولیت تعدد معراج در احادیث اهل بیت علیهم السلام، وقوع معراج حداقل ۲ بار و حداکثر ۱۲۰ بار هم ذکر شده است که به دو مورد از آن‌ها اشاره می‌شود:

۳-۱. روایت اول

طبق روایتی با سند صحیح از ابو برده اسلمی نقل شده که ابابره گوید: شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله که به علی رضی الله عنه فرمودند: یا علی! خداوند در هفت محل تو را حاضر نمود: «سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله یقول لعلی ع: یا علی: ان الله أشهدک معی فی سبعة مواطن. (اما اول ذلك) فلیله اسری بی الی السماء... (الثانی) حین اسری بی فی المرّة الثانیة...»: شبی که مرا به آسمان بردند؛ هنگامی که برای بار دوم مرا به معراج بردند؛ این روایت در منابع معتبری مانند بحار الانوار، علم الیقین، تفسیر صافی، تفسیر نور الثقلین و تفسیر برهان آمده است. روایت دو بار بودن معراج را به صراحت گزارش می‌کند؛ ۳ بار بودن آن را نیز از ظاهر روایت می‌توان استظهار کرد. (ادیب بهروز، ۱۳۸۴ش، ص ۵۷)^۲

۳-۲. روایت دوم

در القطره، به نقل از علل الشرایع و خصال از ابی عبدالله علیه السلام از امام صادق علیه السلام آمده است: «عرج بالنبی صلی الله علیه و آله الی السماء مائة و عشرين مرّة...»: پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۲۰ مرتبه به معراج برده شده‌اند. (مستنبط، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۲۹۸) البته این روایت در منابعی مانند تفسیر برهان، خصال و بحار الانوار هم ذکر شده که از نظر سند اختلاف دارند. (ادیب بهروز، ۱۳۸۴ش، ص ۵۹) عسیلی در روایتی از ابن ولید به اسناد ابی الصباح المزنی از ابی عبدالله، به نقل از کتاب الصراط المستقیم للبیاضی، تعداد معراج را بیش از ۱۲۰ بار نقل کرده است. (عسیلی العاملی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۷)^۳ علامه طباطبایی با توجه به تأیید آیات آغازین سوره نجم و روایات وارده از ائمه علیهم السلام، ۲ بار بودن معراج را پذیرفتنی تر و از نقد و ردّ مصون دانسته است. (طباطبایی، ۱۳۵۳ش، ج ۲۵، ص ۵۴) پس مسئله تعدد

معراج با توجه به آیات و روایات، امری قابل قبول است. اما شاعران آیینی بدان اشاره نکرده و اغلب تابع قول مشهورند.

۴. اختلاف روایات درباره نوع میوه و کیفیت انعقاد نطفه حضرت زهرا علیها السلام و بازتاب آن در شعر آیینی

شهرت فراوان حدیث سیب سبب شده تا نه تنها در متون روایی شیعه و سنی بلکه در شعر شاعران آیینی هم بازتاب وسیعی داشته باشد. البته در متون روایی و شعر آیینی، در خصوص نوع میوه (سیب، خرما، سفرجل و...) اختلاف نظر است و شاعران آیینی بدون در نظر گرفتن اختلافات درباره سند حدیث، مسئله تعدد معراج، زمان وقوع معراج و زمان تولد حضرت زهرا علیها السلام، به جز شماری از ایشان که بیشتر تابع نظر مشهور شیعه امامیه اند، تنها به نوع میوه و مکان معراج اشاره کرده اند. در اینجا به تحلیل و بررسی این روایت در متون دینی و شعر آیینی پرداخته می شود:

۴-۱. بازتاب روایت سیب بهستی در متون شیعه، سنی و شعر آیینی^۴

در *علل الشرایع*، جابر جعفی از امام باقر علیه السلام نقل فرموده که جابر بن عبدالله انصاری گفت که از رسول خدا صلی الله علیه و آله دلیل زیاد بوسیدن فاطمه زهرا علیها السلام پرسش شد؟ حضرت فرمودند: جبرئیل برایم سیبی از بهشت آورد و من آن را خوردم و آن سیب به نطفه ای در صلب من بدل شد سپس با خدیجه نزدیکی کردم و او به فاطمه باردار شد پس من از او بوی بهشت را استشمام می کنم. (صدوق، ۱۳۸۸ش، ج ۱، ص ۴۹۵) البته محمد بن عبدالله شافعی و بسیاری از ارباب صحاح و سنن هم به این روایت اشاره کرده اند. (اصفهانی عمادزاده، ۱۳۷۰ش، ج ۱، ص ۲۴۲) اما این روایت از سدیر صیرفی به نقل از امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارشان از پیامبر صلی الله علیه و آله به گونه ای دیگر آمده است: وقتی خداوند حضرت آدم را آفرید و مرا از صلب وی و فاطمه را از صلب من خارج کرد و این در حالی است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: نور فاطمه قبل از آفرینش آسمانها و زمین خلق شده؛ چون آدم خواست از بهشت هبوط کند نور فاطمه به سیبی تابید و آدم از آن بخورد و در صلب او بود و در اصلاب آبا و ارحام امهات طیب و طاهر نقل شد تا برای من نیز جبرئیل سیبی آورد و از آن سیب نطفه فاطمه بسته شد. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۴)^۵

گر نبد فاطمه افلاک نبود مهر و ماه و کره خاک نبود

هرچه باشد سببش فاطمه است نخل دین را رطبش فاطمه است
خلقش از سیب بهشتی باشد ساحتش دور ز زشتی باشد

(قاری زاده کاشانی، ۱۳۷۲ش، ص ۱۴۱)

در بیت فوق، شاعر با توجه به حدیث موسوم به سیب معراج، بدون ذکر جزئیات، خلقت حضرت زهرا علیها السلام را از تناول میوه سیب بهشتی دانسته و با آوردن لفظ «بهشتی» به طور ضمنی به واقعه معراج و سفر آسمانی پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره کرده است. آفرینش نور وجودی حضرت زهرا علیها السلام پیش از خلقت آدم و حوا یکی از مباحثی است که در شعر آیینی بازتاب وسیعی داشته است. مثال ذیل، شاهدی بر این مدعاست:

آدم و حوا ز حسن خویشتن اندر شگفت دیده تمثال وی و کرده ز خود قطع نظر
صورتی دیدند بینده چنان صورت ندید در نکویی بهتر از حور و پری پا تا به سر
نور رخسارش منور کرده آفاق سپهر بر سرش تاج و دو آویزه به گوشش جلوه گر
گفت یارب کیست این دلبر بدین حسن و جمال با چنین زینده تاج و گوشوار معتبر
آمد از یزدان ندا کین نور باهر فاطمه است بنت خاتم الانبیا و دختر خیر البشر
(داعی آرانی، ۱۳۸۳ش، ص ۱۳۳)

شاعر در ابیات بالا، با اندکی دخل و تصرف در اصل روایت و بازپروراندن مطلب، بیشتر به خلقت نوری حضرت زهرا علیها السلام و آفرینش نور وجودی ایشان قبل از خلقت آدم علیه السلام و حوا اشاره داشته است ولی شاعر به زمان هبوط حضرت آدم علیه السلام و خوردن ایشان از سیب بهشتی و تأثیر میوه در صلب ایشان هیچ اشاره‌ای نداشته و به صورت مجمل و موجز این روایت را بیان کرده است.

۲-۴. روایت خرمای بهشتی

ابن عباس از عایشه نقل می‌کند که وقتی از پیامبر صلی الله علیه و آله دلیل زیاد بوسیدن فاطمه علیها السلام را پرسید ایشان فرمودند: در معراج، بعد از عبور از حجاب‌های نور در بهشت، خرمایی نرم‌تر از کره، خوشبوتر از مشک و شیرین‌تر از عسل دیدم و از آن خوردم که به نطفه‌ای در صلبم بدل شد، پس در زمین با خدیجه نزدیکی کردم و او به فاطمه باردار شد. پس فاطمه فرشته‌ای به شکل انسان شد که هنگام اشتیاق به بهشت، بوی او را استشمام می‌کنم. (صدوق، ۱۳۸۸ش، ج ۱، ص ۴۹۷)^۶

طینت زهرا به صلب مصطفی آمد پدید ز آن رطب کآورد جبریل از بهشت با ثمر
گوهر پاکش چو در بطن خدیجه جا گرفت راز گفתי در شکم با مادر از نور بصر
(داعی آرانی، ۱۳۸۳ش، ص ۱۳۴)

داعی آرانی با توجه به روایت ابن عباس، میوه رطب بهشتی را در تکوین نطفه مؤثر دانسته و با اشاره به اینکه جبرئیل این میوه را از بهشت آورده، به ماهیت آسمانی میوه توجه داشته است و از فحوی بیت برمی آید که جبرئیل این میوه آسمانی را در زمین به پیامبر ﷺ اعطا و ایشان از آن میوه تناول کرده‌اند. شاعر باز هم به صورت مختصر و بدون اشاره به مسئله استشمام بوی بهشت از حضرت زهرا ع سخن را به پایان می‌رساند.

۳-۴. روایت یک خوشه خرما و یک خوشه انگور همراه با جامی آب از بهشت

در *حیوة القلوب* آمده: پیامبر ﷺ با امام علی ع، عمار یاسر، منذر ضحضاح، حمزه، عباس و ابوبکر در ابطح نشسته بودند که جبرئیل، ایشان را به چهل روز دوری از خدیجه امر کرد بعد از چهل روز، جبرئیل، تحفه‌ای را وعده داد و میکائیل طبقی سرپوشیده با دستمالی از سندس بهشت آورد و گفت امشب با این طعام افطار کن. حضرت علی ع فرمودند: هر شب درها گشوده می‌شد تا هر که خواست با ایشان افطار کند اما آن شب فرمودند: این طعام بر غیر من حرام است. در میان طبق، یک خوشه خرما، یک خوشه انگور و جامی از آب بهشت بود. پس از همه آنها تناول فرمودند. چون خواستند نماز نافله بخوانند امر شد که فوراً نزد خدیجه ع برو که حق تعالی می‌خواهد که امشب از نسلت ذریه طیبه خلق کند. (مجلسی، ۱۳۸۹ش، ج ۳، ص ۲۵۵) صدیقی این گونه آورده است:

اربعینی شو جدا از همسرت	این بود امر خدای داورت
روزها روزه بگیر ای مه‌لقا	کن قیامی در دل شب با صفا...
... تا به سر آمد چهل لیل و نهار	جبرئیلش شد به جنت با وقار
جامی از می با انار و با عنب	یک طبق استبرق و قدری رطب
شد به بیت مصطفی شاه عرب	این غذا آورده شد از سوی رب...
او نویدش داد بر نور هدی	فاطمه کفو علی مرتضی

(صدیقی، ۱۳۸۸ش، ص ۱۶۶-۱۶۸)

شاعر، این روایت را مفصل اما با اندکی تغییر جزئی آورده است. ایشان علاوه بر خرما و انگور به انار هم اشاره کرده که در بحار الانوار ذکر نشده است. همچنین به جای آب بهشتی به شراب اشاره کرده است. با توجه به عبارت «شد به بیت مصطفی» می‌توان گفت که این طعام آسمانی در زمین تناول شده است؛ اما جلالی به نوع غذای بهشتی اشاره نکرده و سر بسته می‌گوید:

ز امر ایزد سبحان به سوی پیغمبر	چو جبرئیل امین وحی داد در ابطح
که بر نهی به جهان تاج افتخار به سر	کناره گیر چهل روز و شب ز همسر
بداشت روزه چهل روز از سر به سحر	برفت گوشه خلوت به ذکر یزدان شد
غذای پاک بهشتی نهد ورا در بر	چو روزها سپری شد فرشته‌ای ز جنان
رسید وحی که شو با خدیجه همبستر	از این غذا چو تناول نمود شکری کرد
بزرگ بانوی اسلام دخت پیغمبر	گذشت نه مه و نه روز تا تولد یافت
نهال باغ نبوت دهد یگانه ثمر	به سال پنجم بعثت جمادی الثانی

(جلالی، ۱۳۶۲ش، ص ۴۹)

۴-۴. میوه سفرجل یا به بهشتی

ابن شهر آشوب از امام رضا علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که جبرئیل در بهشت، بهی را به حضرت هدیه داده که در وسطش کنیزی بود که خود را راضیه مرضیه و آفریده الهی برای پسر عم پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی کرد. (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۷۵) این حدیث نه تنها در ربیع الابرار زمخشری بلکه در مناقب هم به نقل از اعمش از عطیه العوفی از خداری آمده است. (قندوزی حنفی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۴۱۰) البته هیچ‌یک از شاعران به سفرجل اشاره نکرده‌اند.

۵-۴. روایت میوه درخت

در برخی روایات، میوه درختی بهشتی عامل ایجاد نطفه حضرت زهرا علیها السلام معرفی شده که بدین شرح است:

۱-۵-۴. میوه درخت طوبی

ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ به عایشه، دلیل زیاد بوسیدن حضرت زهرا علیها السلام را چنین فرمودند: در آسمان، جبرئیل مرا از روی طوبی

عبور و میوه‌ای به من داد که با خوردنش آبی در کمرم ایجاد و نطفه فاطمه علیها السلام منعقد شد و من همواره بوی طوبی را از او استشمام می‌کنم. (حلی، ۱۴۲۴ق، ص ۲۳۸)^۹ شاعران آیینی با توجه به اصل حدیث، به صورت مجمل و مختصر بدون اشاره به درخت طوبی، فقط به مضمون آن در ابیات ذیل اشاره داشته‌اند:

بگفت عایشه روزی به خواجه لولاک به پا ز یمن وجود تو دار امکان شد
زنی است فاطمه دارای شوهر و فرزند مبوس سینه او را که عقل حیران شد
نبی گفت که زهرا بود حبیبه حق به او محبت من ز امر حی سبحان شد
(خباززاده کاشانی، ۱۳۸۶ش، ص ۸۷)^{۱۰}

شاعر تنها به مضمون بوسیده شدن حضرت زهرا علیها السلام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره کرده و اشاره‌ای به سفر آسمانی پیامبر صلی الله علیه و آله و تناول ایشان از میوه درخت طوبی و تشکیل نطفه نداشته است.

۲-۵-۴. میوه درخت نورافشان

سلمان به نقل از عمار، ماجرای خلقت حضرت زهرا علیها السلام را از زبان خود حضرت، خطاب به حضرت علی علیه السلام چنین نقل می‌کند: «ای ابالحسن بدان که خداوند متعال نور مرا خلق کرد درحالی که پیوسته در تسبیح حق بود. سپس آن نور را در درختی بهشتی قرار داد که وقتی پدرم داخل بهشت شد به او امر شد تا میوه آن درخت نورافشان را در دهان بگرداند و این‌گونه خداوند مرا در صلب پدرم به ودیعه گذاشت.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۴۳)^{۱۱} شاعران آیینی از درخت نور افشان یاد نکرده‌اند. ایشان بیشتر به خلقت نوری حضرت زهرا علیها السلام اشاره داشته‌اند:

ذات خدا وجود تو را پرورید و گفت نور تو را ز نور خودش آفرید و گفت
جانی دگر به پیکر هستی دمید و گفت تصویری از جمال خودش را کشید و گفت...
می‌خواستم که جلوه به کون و مکان دهد با فاطمه جمال خودم را نشان دهم
(هارونی مقدم آرانی، ۱۳۹۱ش، ص ۴۰)

شاعر در این ابیات هیچ اشاره‌ای به سیر آسمانی پیامبر صلی الله علیه و آله و تناول ایشان از میوه درخت نورافشان نداشته و تنها به سرشت نورانی حضرت زهرا علیها السلام اشاره کرده است.

۳-۵-۴. میوه‌های از میوه‌های بهشتی یا جمیع میوه‌های بهشتی

در تفسیر المیزان به نقل از درّ المثور از قول طبرانی از زبان عایشه نقل شده که رسول خدا ﷺ فرمودند: «وقتی مرا به آسمان بردند میوه درختی بهشتی را میل نمودم که زیباتر و خوش میوه‌تر و سفیدبرگ‌تر از آن ندیده بودم و همین میوه، نطفه‌ای در صلبم شد.» (طباطبایی، ۱۳۵۳ش، ج ۲۵، ص ۴۴)^{۱۲} همچنین از ابن عباس نقل شده که تناول پیامبر ﷺ از جمیع میوه‌های بهشتی در شب معراج، سبب شد تا نطفه فاطمه علیها السلام تکوین یابد. (عسیلی العاملی به نقل از نفس المصدر و ذخایر العقبی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۲۸)^{۱۳} شاعران آیینی اغلب بدون اشاره به نوع میوه، سرشت حضرت زهرا علیها السلام را آسمانی و «انسیه حورا» را از القاب مشهور ایشان دانسته‌اند:

فاطمه منصوره زهرا صالحه مرضیه نام آمنه انسیه حورا در مقام احتشام

(فروتن، ۱۳۸۳ش، ص ۳۴)

فاطمه معروف گشته در زمین در سما منصوره خوانندش یقین

(صدیقی، ۱۳۸۸ش، ص ۱۵۰)

فولادی هم درباره حضرت زهرا علیها السلام آورده است:

سینه‌اش بویید ختم المرسلین هرگاه گفتا می‌دهد جان و دلم را عطر مینویش نوازش

(یونسیان، ۱۳۷۴ش، ص ۱۳۷)

پدر ز روی محبت کشد در آغوشش که آفتاب کشد دست مهر بر سر نور

همیشه دست تو را می‌گرفت و می‌بوسید درود و رحمت حق باد بر پیمبر نور

(مجاهدی، ۱۳۸۷ش، ص ۱۶۰)

با در نظر گرفتن دلایل عقلی و نقلی و توجه به شواهدی مانند اثبات تعدد معراج، اتفاق نظر تمام راویان حدیث، تاریخ‌نویسان و اکثر دانشمندان اسلامی مبنی بر وقوع معراج قبل از هجرت و نیز اتفاق نظر شیعه امامیه به خلقت حضرت زهرا علیها السلام در سال پنجم بعثت و وجود انواع میوه‌ها در درخت طوبی می‌توان صحت این حدیث را به‌رغم تمام اختلافات ظاهری و ضعف سند آن، به‌دلیل نقل در کتب معتبر اسلامی اثبات کرد. همچنین می‌توان پذیرفت که حضرت در سفرهای متعدد خود به آسمان یا نزول مائده به زمین از یکی از انواع میوه‌های این درخت تناول کرده و همین امر باعث

تکوین نطفه حضرت زهرا علیها السلام شده است؛ چنان که سوره زخرف آیه ۷۱ «و فیها ما تشتهیه الانفس و تلذ الأعین» مؤید وجود انواع میوه‌ها در درخت طوبی است. (عسیلی‌العاملی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۲۸-۱۲۹) در میان آثار مفسران بزرگ شیعه و سنی می‌توان به تفسیر الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور سیوطی، تفسیر فرات کوفی، تفسیر المیزان علامه طباطبایی و تفسیر کنز الدقایق و بحر الغرائب مشهدی قمی اشاره کرد که بدون هیچ‌گونه تعارض یا ایراد اشکال به ذکر این روایت پرداخته و به نوعی آن را پذیرفته‌اند. شاعران آیینی نیز تحت تأثیر منابع مذکور کمتر به جزئیات این حدیث پرداخته و بیشتر به خلقت نوری حضرت زهرا علیها السلام اشاره کرده‌اند.

۵. اختلاف روایات درباره مکان واقعه معراج

با توجه به مجموع روایات فوق به‌جز روایتی که منشأ ایجاد این نطفه را طعامی آسمانی دانسته که آن را در روی زمین به پیامبر صلی الله علیه و آله اعطا کرده‌اند؛ بقیه روایات به‌رغم اختلافات ظاهری، هیچ‌گونه تعارضی با هم ندارند. اما رویکرد شاعران آیینی به این مسئله، بیشتر زمینی بوده است؛ یعنی میوه یا مائده آسمانی توسط جبرئیل برای پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است. البته اغلب به‌طور سربسته و بدون ذکر جزئیات به این مسئله پرداخته‌اند. برای مثال:

طینت زهرا به صلب مصطفی آمد پدید ز آن رطب کآورد جبریل از بهشت با ثمر
(داعی آرانی، ۱۳۸۳ش، ص ۱۳۴)

خلقش از سیب بهشتی باشد ساحتش دور ز زشتی باشد
(قاری زاده کاشانی، ۱۳۷۲ش، ص ۱۴۱)

۶. اختلاف روایات درباره سند حدیث سیب معراج

برای تشخیص صحت و سقم یک روایت، نخست باید به بررسی راویان حدیث و در مرحله بعد به نقد محتوایی آن پرداخت. البته تمام موارد کذب از راه نقد سند احراز نمی‌شود؛ گاه قرآینی در متن بر جعل و وضع آن گواهی می‌دهد اما با عرضه احادیث بر قرآن، سنت متواتر و قطعی، عقل، بدیهیات و برهانیات و تاریخ صحیح و سیره معتبر؛ عدم مخالفت محتوا با حکم اجماعی امت اسلام، عدم رکاکت لفظی و معنوی، عدم تعارض مضمون روایت با قواعد قطعی و بدیهی علمی و امور تجربی مسلم،

می‌توان به صدور یا عدم آن از ناحیه معصوم علیه السلام پی برد. (کاظمی، ۱۳۹۶ش، ص ۲۰-۲۲) حدیث سبب معراج را هرچند مرسل یا ضعیف دانسته و مرفوعاً به سلمان فارسی منتسب کرده‌اند، با عرضه آن به قرآن، سنت، عقل، تاریخ، حکم اجماعی و امور تجربی مسلم می‌توان پی برد که هیچ‌گونه تنافی و تعارضی در این حدیث با موارد مذکور نیست و در متن روایت هم هیچ‌گونه رکاکت لفظی و معنوی دیده نمی‌شود و با توجه به تواتر روایی حدیث و شهرت فراوان آن در منابع شیعه و سنی می‌توان آن را تأیید کرد. حسینی استرآبادی هم آن را از کتاب *رجال* شیخ طوسی و *مسائل البلدان* ابن شاذان نقل کرده و رفع حدیث و ضعف آن را از جهت مضمون با تقویت و دلالت روایات فراوان دیگر جبران کرده‌اند. هیشمی هم با اندکی اختلاف در ذکر نوع میوه (میوه درخت نورافشان) در *مجمع الزوائد* و *منبع الفوائد* این حدیث را از طبرانی، ابوقتاده حرانی و ثقه احمد روایت کرده که گفته‌اند این حدیث شایسته تصدیق است. تکذیب‌کنندگان آن را انکار کرده اما بخاری و دیگران آن را ضعیف و برخی متروک دانسته و عده‌ای هم آن را نقل نکرده‌اند اما در کتاب *المیزان* آمده است. (هیشمی، ۱۴۰۲ق، ج ۹، ص ۲۰۲)^{۱۴}

۷. اختلاف روایات درباره زمان وقوع معراج و زمان تولد حضرت زهرا علیها السلام
نگارندگان به تبع محققان و مورخان، اسراء و معراج را یکی دانسته و به بررسی تطبیقی اختلاف آراء پرداخته‌اند.

جدول (۱): مشهور آراء درباره زمان بندی تولد حضرت زهرا علیها السلام و واقعه معراج پیامبر صلی الله علیه و آله^{۱۵}

انواع آراء و نظرات درباره زمان اسراء و معراج پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>	آراء و نظرات درباره زمان تولد حضرت زهرا <small>علیها السلام</small>
پس از هجرت (دو سال پس از هجرت: اصفهانی عمادزاده، ۱۳۷۶ش، ص ۲۲۴)	پنج سال پیش از بعثت (تجدید بنای خانه کعبه) ^{۱۶}
سه سال پیش از هجرت ^{۱۷}	هشت سال پیش از بعثت (مسعودی، ۱۳۸۸ش، ج ۱، ص ۶۰۲)
شش ماه قبل هجرت، ص یک سال قبل هجرت (خضری بک، ۱۹۸۸م، ص ۶۹)	دوازده سال پیش از بعثت یا قبل از اسلام و حوالی آن ^{۱۸}
سال اول بعثت (به نقل از ابن عساکر)	همان سال بعثت ^{۱۹}
سال دوم بعثت (به نقل از مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۳۱۹)	سال دوم بعثت ^{۲۰} (۴۱ سالگی)

سال سوم بعثت ^{۳۱} سال چهارم بعثت (قول اصالح و اشهر در جلاء العیون مجلسی به نقل از منتخب التواریخ، ص ۸۳)	سال سوم بعثت (به نقل از حضرت علی <small>علیه السلام</small>): درست ترین و مورد اعتمادترین روایت (همان، ج ۱۸، ص ۳۷۹)
سال پنجم بعثت (نظر شیعه امامیه به تبعیت ائمه ^{۳۲})	سال چهارم بعثت، ص سال پنجم بعثت (دیار بکری)

جدول (۲): اعلان آراء شیعه و سنی درباره زمان وقوع معراج

یک سال پیش از بعثت؛ انس بن مالک و حسن بصری؛ علوی حسینی موسوی، ۱۳۶۱ ش، ج ۲، ص ۲۱۱؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۱ ق، ج ۱۱، ص ۳۴؛ زمخشری، بی تا، ج ۲، ص ۶۴۶	زمان اعلان آشکار اسلام در بین قبایل؛ (ابن اسحاق در زمره این افراد است). برای توضیح بیشتر نک: ابن هشام، ۱۹۸۵ م، ج ۲، ص ۳۷.
شش ماه پیش از هجرت؛ ابن شهاب: سیوطی، ۱۴۲۱ ق، ج ۵، ص ۲۱۰؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق، ج ۱، ص ۱۷۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۸، ص ۳۸۰. یک سال پیش از هجرت: میبدی، ۱۳۸۰ ق، ج ۵، ص ۴۸۴؛ مغنیه، ۱۹۸۱ م، ص ۸۷	زمان قبل از مرگ ابوطالب؛ یعقوبی مورخ مشهور: نک: یعقوبی، ۱۳۸۲ ش، ج ۱، ص ۳۸۳؛ رسولی محلاتی، ۱۳۷۸ ش، ص ۲۰۷؛ جمع اقوال بعد از مرگ ابوطالب در سال دهم بعثت: ابن اسحاق و ابن هشام: نک: ابن الاثیر، ۱۳۴۴ ق، ج ۱، ص ۵۱.
شانزده ماه پیش از هجرت؛ بیهقی در اللالیل به نقل از ابی شهاب وسدی: سیوطی، ۱۴۲۱ ق، ج ۵، ص ۱۸۴. نیز نک: وشنوی، ۱۴۱۶ ق، ص ۱۸۰-۱۸۱.	سال دوم بعثت؛ ابن عباس: شعار، ۱۳۴۸ ش، ص ۸۳؛ طباطبایی، ۱۳۵۳ ش، ج ۱۳، ص ۳۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۸، ص ۳۸۱؛ عاملی، ۱۳۷۳ ش، ج ۱، ص ۲۷۰. ذهبی هجده ماه بعد از بعثت گفته: انصاری قرطبی، بی تا، ج ۱۰، ص ۲۱۰؛ ابن سیدالناس شافعی، بی تا، ج ۱، ص ۱۷۳.
هجده ماه پیش از هجرت؛ ابی کبر بن عبدالله به گزارش ابن سعد و ابن عساکر. نک: سیوطی، ۱۴۲۱ ق، ج ۵، ص ۲۲۳؛ ابن سعد، ۱۴۱۸ ق، ج ۱، ص ۱۰۲؛ ابن سیدالناس شافعی، بی تا، ج ۱، ص ۱۷۱.	سال سوم بعثت: روایتی منقول از حضرت علی <small>علیه السلام</small> نک: مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۸، ص ۳۷۹؛ عاملی، ۱۳۷۳ ش، ج ۱، ص ۲۷۱؛ طباطبایی، ۱۳۵۳ ش، ج ۱۳، ص ۳۱؛ راوندی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۸۴.
سال نهم بعثت؛ ابن شهر آشوب. نک: عاملی، ۱۳۷۳ ش، ج ۱، ص ۳۳۴.	پنج سال پس از بعثت؛ زهری در صحیح مسلم و الوقاصی، به این زمان اشاره کرده اند. برای توضیح بیشتر نک: انصاری قرطبی، بی تا، ج ۱۰، ص ۲۱۰.
سال های آخر ابلاغ رسالت در مکه (قول مشهور): نک: عاملی، ۱۳۷۳ ش، ج ۱، ص ۲۶۹؛ طباطبایی، ۱۳۵۳ ش، ج ۲۵، ص ۴۳. سال قبل هجرت: همه اصحاب و تابعین: علوی حسینی، ۱۳۶۱ ش، ج ۲، ص ۲۱۱؛ قسطلانی، ۱۳۲۳ ق، ج ۱، ص ۳۸۲.	سال یازدهم و دوازدهم بعثت؛ احمد زینی دحلان در سیره حلبیه به سال یازدهم اشاره کرده و بیهقی مورخ مشهور سال دوازدهم بعثت را نقل کرده است. برای توضیح بیشتر نک: غفاری مازندرانی، بی تا، ج ۱، ص ۱۷۳؛ ابن الاثیر، ۱۳۴۴ ق، ج ۱، ص ۵۱؛ زمخشری، بی تا، ج ۲، ص ۴۳۷؛ حربی: انصاری قرطبی، بی تا، ج ۱۰، ص ۲۱۰.

جدول (۳): آراء و نظرات درباره مکان وقوع معراج

<p>کنار خانه کعبه: طبری، ۱۳۵۲ش، ج ۳، ص ۸۵۵-۸۵۴ بخاری، نسایی، ابن ماجه، ابن مردویه از طریق یونس از ابن شهاب از انس از ابوذر از رسول خدا ﷺ مکه از شکاف سقف منزل را محل عروج دانسته‌اند. (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ص ۱۶۹؛ نیز نک: فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۶۹۸؛ ابن سیدالناس الشافعی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۰؛ قسطلانی، ۱۳۲۳ق، ج ۱، ص ۳۸۲)</p>	<p>منزل ام‌هانی^{۳۳}: عسیلی به نقل از تفسیر طبری به منزل ام‌هانی اشاره کرده است. (نک: عسیلی عاملی، ۱۴۰۸ق، ص ۳۱)؛ سدی و واقدی در خصائص الکبری (همان، ص ۳۵)؛ تاریخ بناکتی (ابن الاثیر، ۱۳۴۴ق، ج ۱، ص ۵۱)؛ طبرانی از ابن مردویه و ابن اسحق و ابن جریر از ام‌هانی، منزل ام‌هانی را ذکر کردند. (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ص ۱۸۱-۱۸۳؛ شعار، ۱۳۴۸ش، ص ۸۳ شیبانی، ۱۳۳۰ق، ج ۲، ص ۴۸۰؛ غفاری مازندرانی، بی‌تا: ج ۱، ص ۱۷۳؛ راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۸۵ مجلسی، ۱۳۸۹ش، ج ۳، ص ۷۷۶؛ قسطلانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۳۴۸؛ میبلی، ۱۳۸۰ش، ج ۵، ص ۴۷۹؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳ش، ج ۲، ص ۷۷۴)</p>
<p>شعب ابیطالب: طبقات ابن سعد، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۱۴؛ ابن سعد و ابن عساکر از عبدالله بن عمر وام سلمه و عایشه و ام‌هانی و ابن عباس، زمان معراج را ۱۷ ربیع الأول سال قبل از هجرت از شعب ابی طالب دانسته‌اند. (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۸۳).</p> <p>البته شایان ذکر است که واقدی به «شعب ابی طالب» اشاره کرده است. برای توضیح بیشتر نک: (قسطلانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۳۴۷)</p>	<p>مسجدالحرام: طبری (عسیلی عاملی، ۱۴۰۸ق، ص ۳۱)؛ طباطبایی، ۱۳۵۳ش، ج ۲۵، ص ۵۳)؛ به روایت انس، مالک، عایشه، ابوهریره و ام‌هانی به نقل از پیامبر ﷺ معراج از مسجدالحرام بوده است. (کاشانی، ۱۳۴۶ش، ج ۵، ص ۲۴۰)؛ بخاری، ابن جریر، ابن مردویه از شریک ابی نمر از انس مسجد الکعبه دانند. (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ص ۱۶۰؛ آملی، ۱۳۸۲ش، ص ۴۷۰؛ شبر، بی‌تا، ص ۲۷۹) مسجد بودن کل حرم (شیبانی، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۴۸۰؛ زمخشری، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۳۷؛ ابن قیم جوزیه، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۳۴؛ جوزی قرشی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵).</p>
<p>حجر اسماعیل (عسیلی، ۱۴۰۸ق، ص ۳۱؛ بخاری، ۱۳۸۸ش، ج ۲، ص ۲۸۶)؛ بخاری، مسلم، ترمذی، نسایی، ابن جریر، ابن مردویه از قتاده از انس از صعصعه از پیامبر ﷺ حجر دانند. (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ص ۱۶۷؛ ابن الاثیر، ۱۳۴۴ق، ج ۱، ص ۵۱؛ قسطلانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۳۴۷؛ ابن هشام، ۱۹۸۵م، ص ۳۹۷)</p>	<p>وادی ابطح: نک: عسیلی عاملی، ۱۴۰۸ق، ص ۳۱. برخی مکان وقوع واقعه معراج را از کنار خانه کعبه گویند. (طبری، ۱۳۵۲ش، ج ۳، ص ۸۵۵-۸۵۴)</p>

با توجه به اختلاف روایات درباره سال ولادت حضرت زهرا علیها السلام، سه دیدگاه متفاوت «پنج سال پیش از بعثت»، «سال دوم بعثت» و «سال پنجم بعثت» از شهرت

بیشتری برخوردار است. در میان این روایات، امام علی علیه السلام ضمن روایتی، زمان اسراء را سه سال پس از بعثت دانسته‌اند که از نظر تاریخی با حدیث سیب، سازگاری بیشتری دارد و تنها قول سوم را تأیید می‌کند. به طور کلی نقل شده است که زمان معراج می‌تواند حداقل نُه ماه و چه بسا دو سال پیش از تولد حضرت زهرا علیها السلام باشد. (عاملی، ۱۳۷۳ش، ج ۱، ص ۴۲۹) برخی افراد، وقوع معراج، پیش از سال ده بعثت یعنی سال‌های ۸ تا ۱۰ را به دلیل اوضاع دشوار شعب و عدم وجود پایگاه قوی برای تمرکز اسلام نپذیرفته و ایجاب تکالیف بیشتری مانند نماز را هم تأیید نمی‌کنند. (سبحانی، ۱۳۴۵ش، ج ۱، ص ۳۸۵) عالمان شیعه هم اغلب سال دهم بعثت به بعد را سال معراج دانسته‌اند. نکته حائز اهمیت دیگر، آن است که مطابق قول مشهور، خانه ام‌هانی را محل معراج دانسته‌اند و این در حالی است که پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از وفات خدیجه علیها السلام با ام‌هانی ازدواج کرده‌اند و این قول، موید وقوع معراج در سال‌های پایانی بعثت است اما با توجه به وجوب نماز در شب معراج و تصریح کلینی در کافی (ج ۸، ص ۳۳۸، ح ۵۳۶) به این مسئله که حضرت علی علیه السلام از ده سال قبل از هجرت، شروع به خواندن نمازهای دورکعتی کرده‌اند، می‌توان وقوع معراج در سال سوم بعثت را هم پذیرفتنی دانست. البته بازگشت رسول خدا صلی الله علیه و آله از معراج و رفتن به منزل خدیجه علیها السلام در سال‌های نخستین بعثت، شاهد دیگری بر این مدعا است. (ادیب بهروز، ۱۳۸۴ش، ص ۶۷-۶۸) پس می‌توان اذعان داشت که معراج پیامبر صلی الله علیه و آله بیش از یک بار بوده و غیر از معراج مشهور در سال دهم بعثت، در سفر معراج دیگری در بازه سال‌های سوم تا پنجم بعثت، تناول میوه بهشتی مؤثر در تکوین نطفه حضرت زهرا علیها السلام انجام شده و به احتمال زیاد در این سفر، هنوز نماز تکلیف نبوده است.

در جمع‌بندی کلی مطالب با توجه به جداول فوق می‌توان گفت که طبق نظر شیعه امامیه و به تبعیت از ائمه اطهار علیهم السلام، زمان تولد حضرت زهرا علیها السلام سال پنجم بعثت و طبق نظر اصالح و اشهر، سال چهارم بعثت و زمان معراج هم طبق درست‌ترین و مورد اعتمادترین روایت در دست از حضرت علی علیه السلام، سال سوم بعثت بوده است. در اینجا با قبول هریک از دو احتمال درباره زمان تولد حضرت زهرا علیها السلام می‌توان پذیرفت که روایت اعطای سیب بهشتی به پیامبر صلی الله علیه و آله در بهشت، در همین سفر معراج بوده است که

در شکل‌گیری نطفه حضرت زهرا علیها السلام مؤثر واقع شده است. شاعران آیینی همچنان که پیش‌تر ذکر شد، از بیان جزئیات این روایت خودداری کرده‌اند اما این حدیث در شعرشان بازتاب وسیعی داشته است و تنها تعداد اندکی از ایشان در شعرشان به تاریخ معراج - البته نه به‌طور دقیق، فقط به ذکر ماه اکتفا کرده‌اند - و مکان واقعه اسرا اشاره کرده و به تبع محققان و مورخان، اسراء و معراج را یکی دانسته‌اند. برای مثال، شاعر در بیت زیر، هفدهم ربیع‌الاول را تاریخ معراج و خانه ام‌هانی را مکان معراج ذکر کرده است. با توجه به اینکه زمان ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با ام‌هانی، بعد از رحلت حضرت خدیجه علیها السلام در شعب ابیطالب بوده، شاعر مطابق قول مشهور، به وقوع معراج در سال‌های پایانی قبل از هجرت در بازه زمانی سال‌های دهم تا دوازدهم نظر داشته است:

به شب هفدهم ماه ربیع‌الاولی آن شبی که شب قدر آمده قدرش والا
که ملقب شده از رتبه به لیل‌الاسرا وه عجب شد شب معراج رسول دو سرا
خفته بد ختم رسل خانه ام‌هانی که به معراج حقیق خواند پی مهمانی
(واصف بیدگلی، ۱۳۹۲ش، ص ۸۴)

البته عده‌ای دیگر از مورخان با بررسی سایر اسناد و روایات تاریخی به استنباط زمان و مکان معراج پرداخته‌اند؛ چنان‌که بخاری به نقل از مالک بن صعصعه می‌گوید: رسول خدا از شب اسراء برای ما سخن گفت و فرمود هنگامی که در حطیم یا حجر اسماعیل به پهلو خوابیده بودم ناگهان شخصی آمد و سینه‌ام را تا ناف شکافت قلبم را در تشتی مملو از ایمان شستند و سر جایش گذاشتند سپس در ادامه بیت المعمور را به من نشان دادند. (بخاری، ۱۳۸۸ش، ج ۲، ص ۲۸۶-۲۸۸)^{۲۴} طبری هم به نقل از انس بن مالک روایت کرده که حضرت کنار کعبه خوابیده بودند که جبرئیل و میکائیل او را در خواب بعد از شکافتن شکم و تطهیر قلب از شرک و جاهلیت و ضلالت، انباشته از ایمان و حکمت کردند و سپس او را به آسمان بردند. (طبری، ۱۳۵۲ش، ج ۳، ص ۸۵۴-۸۵۵)^{۲۵} با فرض صحت روایت صعصعه و طبری و بر اساس مستندات تاریخی، وقوع این حادثه و صعود حضرت به آسمان در سال‌های پیش از بعثت بوده است چنان‌که به روایت تواریخ و کتب حدیث اهل تسنن، این واقعه در زمان کودکی یا نوجوانی

حضرت رخ داده درحالی که حضرت مشغول گوسفند چرانی نزد دایه خود (حلیمه) بوده است. بر اساس مستندات جدول (۱) یعنی آراء ابن جوزی، ابن خلدون، ابن صباغ و بسیاری از علمای اهل تسنن، اگر زمان تولد حضرت زهرا علیها السلام را مقارن با تعمیر خانه کعبه یعنی پنج سال پیش از بعثت بدانیم باز هم نمی توان نتیجه گرفت که ماجرای اعطای سیب بهشتی در این سفر رخ داده باشد چون در زمان این معراج آسمانی هنوز پیامبر صلی الله علیه و آله از دواج نکرده بودند، به طور کلی نمی توان با استناد به این دو روایت، امری را اثبات کرد. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، سعی کرده تا این مسئله را تحلیل و نتیجه گیری کند؛ وی برای این رخداد، زمان قبل از بعثت را احتمالی بسیار ضعیف دانسته و می فرماید: این احتمالی است که معظم روایات وارده در معراج که شاید از حد شمارش هم بیرون باشد آن را رد می کند و علمای این بحث نیز همه اتفاق نظر دارند بر اینکه معراج بعد از بعثت بوده و علاوه بر این خود حدیث هم با این احتمال سازگار نیست و آن را دفع می کند. علامه وجوب نمازهای پنج گانه در قبل از نبوت را بی معنا دانسته و با توجه به صدر حدیث یعنی عبارت «قبل از آنکه به آن جناب وحی می آمد نزد او آمدند» می توان این مطلب را بر این حمل کرد که ملائکه شب قبل از بعثت آمدند و آن سخنان را با خود گفتند، آنگاه شب بعد که آن حضرت مبعوث به نبوت شده بود آمدند و به معراجش بردند. ایشان بیشتر اخبار معراج را از سنخ مشاهدات مثالی و تمثیلات روحی دانسته اند. (طباطبایی، ۱۳۵۳ ش، ج ۱۳، ص ۲۸) البته باید ذکر شود که در کتاب شرح و ترجمه احتجاج طبرسی به روایت ائمه علیهم السلام، شق بطن یا صدر و غسل قلب خلاف واقع و از اعتقادات عوام اضلهم الله است. (غفاری مازندرانی، بی تا، ج ۱، ص ۱۷۴) ولی علامه مجلسی معتقد است که این مسئله در احادیث معتبر شیعه نیامده ولی نفی آن هم به نتیجه نرسیده و عقل هم آن را انکار نمی کند. علامه طباطبایی هم این امر را از مشاهدات مثالی و تمثیلات روحی سفر معراج دانسته اند اما طبرسی در مجمع البیان، ابوالفتوح رازی در روض الجنان و ملافتح الله کاشانی در تفسیر خود با صحت این امر مخالفت کرده اند. البته می توان این امر را مسئله ای باطنی دانسته که ربطی به پاکیزگی حضرت ندارد. (زکی زاده رنایی، ۱۳۹۶ ش، ص ۳۷۸-۳۷۹)

هرچند علامه طباطبایی بحث دربارهٔ زمان معراج را به دلیل عدم وجود مستند قابل اعتماد، کم‌اهمیت دانسته‌اند، در *المیزان با طبرسی* در مجمع‌البیان ذیل سورهٔ اسراء هم‌رأی بوده و می‌گویند: معراج پیامبر ﷺ از مکه (مسجدالحرام) و قبل از هجرتشان بوده و معتقدند تمام دانشمندان اسلامی که کلامشان قابل قبول است این نظر را قبول دارند. (طباطبایی، ۱۳۵۳ش، ج ۲۵، ص ۵۳-۵۴) ^{۲۶} در پایان، شهرت این حدیث سبب شده تا برخی معاندان و مغرضان، به جعل آن برای خلفا و فضیلت‌تراشی برای آن‌ها متوسل شوند؛ چنان که خطیب بغدادی از محمد بن سلیمان بن هشام از پیامبر خدا ﷺ نقل می‌کند که حضرت فرموده‌اند: شب معراج در آسمان چهارم، ناگهان سیبی در دامن افتاد که در دستم شکافته شد و یک حوری قهقهه‌زنان بیرون آمد و گفت من از مقتول شهید عثمان بن عفانم. البته خطیب بغدادی گوید این خبر منکر و محمد بن سلیمان بن هشام مورد وثوق نبوده و گناه این خبر به عهدهٔ اوست و ذهبی هم آن را جعلی دانسته است. (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۸۴ش، ص ۵۲)

۸. نتیجه‌گیری

حدیث سبب در شمار احادیثی است که نه تنها در متون اسلامی بلکه در عرصهٔ شعر آیینی هم بسامد فراوانی داشته است؛ چنان‌که طیف وسیعی از شاعران آیینی به این حدیث و مضامین آن در شعرشان توجه خاصی داشته اما کمتر به جزئیات آن پرداخته‌اند. شاعران آیینی بیشتر به خلقت نوری حضرت زهرا علیها السلام توجه داشته و تعداد اندکی از ایشان به نوع میوه اشاره کرده‌اند. از دستاوردهای این نگاه‌سته این است که زمان واقعهٔ معراج و تناول سبب بهشتی در این سفر آسمانی و به تبع آن تولد حضرت زهرا علیها السلام در سال‌های پیش از هجرت حضرت رسول صلی الله علیه و آله بوده است و با در نظر گرفتن روایت حضرت علی علیه السلام مبتنی بر سفر معراج در سال سوم بعثت و تولد حضرت زهرا علیها السلام در سال پنجم بعثت طبق نظر شیعهٔ امامیه و اثبات تعدد معراج حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌توان گفت که تناول سبب بهشتی در سفر معراج در حد فاصل سال‌های سوم تا پنجم بعثت بوده است که این امر با زمان تولد حضرت زهرا علیها السلام و زمان مشهور واقعهٔ معراج هیچ‌گونه تعارضی ندارد. از سوی دیگر، در بسیاری از منابع و متون معتبر روایی اسلامی به این حدیث به‌کرات اشاره شده به‌گونه‌ای که کثرت نقل

این روایت، ضعف سند را منتفی و با استناد به متن این حدیث می‌توان گفت که تعدد معراج امری قطعی است و منابع شیعی و سنی آن را تأیید می‌کند. همچنین تأثیر میوه بهشتی در شکل‌گیری نطفه حضرت زهرا علیها السلام مسلم و لقب انسیه حورا از دیگر دستاوردهای این حدیث برای اثبات سرشت آسمانی ایشان است.

پی‌نوشت‌ها

۱. نیز نک: صدوق، ۱۳۸۸ش، ج ۱، ص ۴۹۷؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۱۵۶؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۴، ص ۱۵۳.
۲. علامه طباطبایی احتمال دو بار بودن اسراء را داده‌اند که یک بار آن از منزل ام‌هانی بوده است. ایشان معتقدند که آیات سوره نجم هم به دو بار بودن معراج اشاره دارد (طباطبایی، ۱۳۵۳ش، ج ۲۵، ص ۴۷) نیز نک: عسیلی عاملی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۷؛ به نقل از جواهر السنیه فی الاحادیث القدسیه حر عاملی، ص ۲۱۳؛ مجلسی، ۱۳۸۹ش، ج ۳، ص ۷۳۴.
۳. در سیره حلبیه تعداد معراج را ۳۰ مرتبه دانسته است. (عسیلی عاملی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۷) صدرالدین قونوی هم در *نصوص الحکم بر فصوص الحکم* ۳۶۱، تعداد معراج را ۳۴ مرتبه دانسته است که مستند نیست. (ادیب بهروز، ۱۳۸۴ش، ص ۵۹-۶۲)
۴. این روایت در منابعی مانند *فرائد السمطین*، *نور الأبصار للشبلنجی*، *ینایع الموده القندوزی* و *ذخائر العقبی* هم آمده است. (نک: عسیلی عاملی، ۱۴۰۸ق، ش ۱۲۷؛ نیز قندوزی حنفی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۱۳۱-۱۳۲؛ طبری آملی صغیر، ۱۴۲۷ق، ص ۲۲۳؛ همو، ۱۴۱۳ق، ص ۱۴۶؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۱۴۹؛ طبرسی، ۱۳۹۰ق، ص ۱۵۰؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۲۹۳؛ فرات کوفی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۲۲؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱۱، ص ۳۱. البته بحرانی به نقل از *الروض الفائق* به دو سبب اشاره کرده که یکی را حضرت رسول صلی الله علیه و آله و دیگری را حضرت خدیجه علیها السلام میل نموده‌اند. (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱۱، ص ۳۲؛ نیز نک: مستنبط، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۴۳۳-۴۳۴)
۵. نیز برای توضیح بیشتر نک: بحرانی، ۱۳۷۴ش، ج ۴، ص ۳۳۷؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۹۶؛ عمادزاده، ۱۳۷۰ش، ج ۱، ص ۲۲۷؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۳۷.
۶. نیز نک: ابن بابویه، ۱۳۷۶ش، ص ۴۶۱؛ ابن بابویه، ۱۳۹۸ق، ص ۱۱۸؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۱۴۹؛ مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۲۶۳؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۱ش، ص ۳۶۰؛ حر عاملی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۶۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۴؛ جزائری، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۱۳؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش، ج ۷، ص ۳۳۴؛ ج ۱۲، ص ۵۸۲؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۱۱۶؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۰۹؛ اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۸۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۴؛ ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ق، ج ۳، ص ۳۳۵؛ مجلسی، ۱۳۸۹ش، ج ۳، ص ۷۵۱؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱۱، ص ۲۷؛ حلی، ۱۴۲۴ق،

- ص ۲۳۹؛ مجلسی، ۱۴۱۱ق، ج ۵، ص ۲۷.
۷. نیز نک: قمی، ۱۳۷۹ش، ج ۱، ص ۲۰۰-۲۰۱؛ مجلسی در بحار الانوار هم به این روایت اشاره می‌کند فقط به خرما و انگور بهشتی اشاره می‌کند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۷۹؛ مستنبط، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۴۲۵-۴۲۶؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱۱، ص ۳۲؛ مجلسی، ۱۴۱۱ق، ج ۵، ص ۳۲)
۸. نیز نک: سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ص ۱۹۲ (حاکم به نقل از سعد ابی وقاص از پیامبر ﷺ نقل کرده است)؛ مشهدی قمی، ۱۳۶۸ش، ج ۶، ص ۷۰.
۹. نیز نک: عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۲۱۲؛ طباطبایی، ۱۳۵۳ش، ج ۲۵، ص ۴۴؛ بحرانی، ۱۳۷۴ش، ج ۳، ص ۲۵۴؛ شامی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۰۶؛ آملی، ۱۳۸۲ش، ص ۴۸۸؛ مستنبط، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۴۲۷-۴۲۸؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱۱، ص ۲۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۶.
۱۰. نیز نک: عیسی راوندی، ۱۳۹۶ش، ص ۱۰۲.
۱۱. نیز نک: مستنبط، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۴۰۳؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱۱، ص ۲۸.
۱۲. نیز برای توضیح بیشتر نک: ابن طاووس، ۱۴۰۰ق، ص ۱۱۱؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ص ۱۹۱؛ قسطلانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۳۸۱.
۱۳. نیز نک: قندوزی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۱۳۱.
۱۴. قسطلانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۳۸۱. وی وقوع اسراء قبل از تولد حضرت زهرا علیها السلام را ضعیف و اسراء را بعد از نبوت دانسته است.
۱۵. برای توضیح بیشتر نک: عاملی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۳۷۸-۴۲۹.
۱۶. اکثر علما و دانشمندان با این سال موافقاند؛ چنان‌که ابن جوزی و طبری هم به سال تعمیر کعبه اشاره کرده‌اند. برای توضیح بیشتر نک: ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۶۷؛ مالکی مکی (ابن صباغ)، بی تا، ص ۱۴۴؛ سبط ابن جوزی، بی تا، ص ۳۰۶؛ مغنیه، ۱۳۸۶ش، ص ۵۴.
۱۷. نک: ابن خلدون، ۱۳۸۳ش، ج ۱، ص ۳۹۰؛ ابن حجر اسراء را بدون اختلاف قبل از هجرت می‌داند. (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۴۸)
۱۸. عمادزاده هم به نقل از منابعی مانند تاریخ الخميس، فصول المهمه و بحار الانوار، این تاریخ را تأیید کرده است. (عمادزاده، ۱۳۷۰ش، ج ۱، ص ۲۲۶)
۱۹. در مستدرک حاکم سال نخست آمده است. (مغنیه، ۱۳۸۶ش، ص ۵۴)؛ نیز نک: نهانی، بی تا، ص ۱۴۶.
۲۰. در مصباح المتعجد و تقویم المحسنین سال دوم آمده و شیخ مفید هم پذیرفته است. (همان جا) کافی و مناقب هم همین نظر را دارند. (عمادزاده، ۱۳۷۰ش، ج ۱، ص ۲۲۶)
۲۱. ولادت در سال سوم پس از اسراء ذکر شده است. (نک: مغنیه، ۱۳۸۶ش، ص ۵۴)
۲۲. امام محمد باقر علیه السلام هم به سال پنجم بعثت معتقدند؛ چنان‌که در مطالب السؤل فی مناقب آل

الرسول، زیادة المقال فی فضایل الآل، مناقب ابن شهر آشوب، امالی شیخ صدوق، دلائل الامامة ابن جریر طبری، روضة الواعظین، مدینه المعاجز، مصباح المتعجب، مصباح کفعمی، الاقبال و اعلام الوری، سال ولادت حضرت فاطمه را ۲۰ جمادی الآخر در همان سال دانسته‌اند. در اصول کافی در حاشیه مرآة العقول، در منابعی مانند مناقب ابن شهر آشوب، کشف الغمه، روضة الواعظین و اعلام الوری هم همین سال ذکر شده است. (مغنیه، ۱۳۸۶ش، ص ۵۳؛ نیز نک: خراسانی، ۱۳۴۷ش، ص ۸۳) علامه جعفر مرتضی هم در کتابش به منابع دیگری اشاره کرده که سال پنجم بعثت را تأیید می‌کند؛ از جمله تاریخ بغداد، المواهب اللدنیه، مقتل الحسین خوارزمی، ذخائر العقبی، میزان الاعتدال، مستدرک الحاکم، تلخیص مستدرک ذهبی، ینابیع المودة، نزهة المجالس، مناقب مغازلی، بحار الانوار، المختصر، علل الشرایع، تفسیر قمی، ملحقات احقاق الحق مرعشی به نقل از محاضرات الاوائل، نظم در السمطین، راجح المطالب، وسیلة المآل، کنز العمال، مفتاح النجاة، اخبار الدول در این شمارند. (نک: عاملی، ۱۳۷۳ش، ج ۱، ص ۳۳۵)؛ عمادزاده تاریخ ۲۰ جمادی الآخر سال پنجم بعثت را معتبرترین سند تاریخی درباره تولد حضرت زهرا علیها السلام دانسته است. (عمادزاده، ۱۳۷۰ش، ج ۱، ص ۲۲۶) علامه مجلسی در حیوة القلوب هم با سال پنجم بعد از بعثت موافق‌اند. (قمی، ۱۳۷۹ش، ج ۱، ص ۲۰۰-۲۰۱؛ نیز نک: عسیلی عاملی، ۱۴۰۸ق، ص ۳۴)

۲۳. کسی که این روایت را کرده، معتقد است که پیرامون مسجد همه حرم است و اگر گفته شد در حرم بود، ممکن است آن خانه مشمول آن شود. (ابن الاثیر، ۱۳۴۴ق، ج ۱، ص ۵۱؛ کلینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۱۸؛ میبدی، ۱۳۸۰ق، ج ۵، ص ۴۸۴؛ ابن بابویه، بی‌تا، ص ۲۸۴؛ جوزی قرشی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴) ۲۴. سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ص ۱۶۹؛ طبری، ۱۳۸۹ش، ج ۳، ص ۴۵؛ ابن سیدالناس الشافعی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۰.

۲۵. نیز نک: سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ص ۱۷۴؛ ابن الاثیر، ۱۳۴۴ق، ج ۱، ص ۴۴-۴۵؛ شیبانی المعروف بابن الاثیر، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۴۸۰؛ قسطلانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۳۴۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۶۹۸؛ میبدی، ۱۳۸۰ق، ج ۵، ص ۴۸۴؛ ابن حجر قسطلانی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۴۸؛ قسطلانی، ۱۳۲۳ق، ج ۱، ص ۳۸۲؛ نبهانی، بی‌تا، ص ۳۳۳.

۲۶. طبرسی، ۱۳۸۰ش، ج ۸، ص ۲۱۰؛ غفاری مازندرانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۳؛ راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۸۵؛ شعار، ۱۳۴۸ش، ص ۸۳.

منابع

۱. ابن الاثیر، عزالدین علی، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ترجمه عباس خلیلی، به‌اهتمام سادات ناصری، تصحیح مهیار خلیلی، تهران: علی‌اکبر علمی مدیر مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۴۴ق.
۲. ابن قیم جوزیه، شمس‌الدین ابی عبدالله محمد بن ابی بکر الزرعی الدمشقی، زاد المعاد فی هدی

بررسی سندی و دلالتی حدیث موسوم به سبب معراج و بازتاب آن در شعر شاعران آیینی ۳۰۷

- خیر العباد، الجزء الثالث، باهتمام شعيب الأرناؤوط و عبدالقادر الأرناؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة، مكتبة المنار الاسلاميه، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م.
۳. ابن بابويه، محمد بن علي، *الأمالي صدوق*، تهران: كتابچی، ۱۳۷۶ق.
۴. _____، *علل الشرايع*، ترجمه هدايت الله مسترحمی، تهران: كتابفروشی مصطفوی، بی تا.
۵. _____، *معانی الاخبار*، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، قم: نشر اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ق.
۶. _____، *عیون اخبار الرضا (علیه السلام)*، تصحیح مهدی لاجوردی، تهران: جهان، ۱۳۷۸ش.
۷. _____، *التوحید للصدوق*، تصحیح هاشم حسینی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۹۸ق.
۸. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، *فتح الباری شرح صحیح البخاری ابی عبدالله محمد بن اسماعیل البخاری*، قام بشرحه محب الدین الخطیب، رقم کتبه و ابوابه و... محمد فؤاد عبد الباقي، راجعه محب الدین خطیب، الطبعة الاولى، قاهره: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۷ق.
۹. ابن خلدون، ابوزید عبدالرحمن، *العبر تاریخ ابن خلدون*، ترجمه محمد آیتی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳ش.
۱۰. ابن سعد، محمد، *الطبقات الكبرى*، بيروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
۱۱. ابن سید الناس الشافعی، فتح الدین ابو الفتوح محمد بن سید الناس الشافعی، *عیون الاثر فی فنون المغازی و السمائل و السير*، ضبطه و شرحه و علق علیه الشیخ ابراهیم محمد رضانی، بیروت - لبنان: دار القلم، بی تا.
۱۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، *مناقب آل ابیطالب علیهم السلام لابن شهر آشوب*، قم: علامه، ۱۳۷۹ق.
۱۳. ابن طاووس، علی بن موسی، *الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف*، تصحیح علی عاشور، قم: خیام، ۱۴۰۰ق.
۱۴. ابن هشام، *السیرة النبویه*، حققها و ضبطها و شرحها مصطفی السقا، ابراهیم الایاری، عبدالحفیظ شبلی، جزء ۲، بیروت - لبنان: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۵م.
۱۵. ادیب بهروز، محسن، *معراج از دیدگاه قرآن و روایات*، چ ۲، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل وابسته به نشر امیرکبیر، ۱۳۸۴ش.
۱۶. اربلی، ابی الحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح، *كشف الغمة فی معرفة الائمة*، الجزء ۲، تعلیق سید هاشم رسولی، به اهتمام سید علی بنی هاشمی، تبریز (قم المطبعة العلمیه): مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.
۱۷. اصفهانی (عمادزاده)، عمادالدین حسین، *زندگانی چهارده معصوم (علیهم السلام)*، چ ۱۱، قم: طلوع، ۱۳۷۰ش.
۱۸. اصفهانی، ابوالفرج علی بن الحسین، *فرزندان ابوطالب*، ترجمه جواد فاضل، چ ۲، تهران: علمی، ۱۳۶۲ش.

۱۹. انصاری قرطبی، ابی عبدالله محمد بن احمد، الجامع الأحكام القرآن، بیروت: دار الکتب العربی، بی تا.
۲۰. آملی، سید حیدر، انوار الحقیقه و أطوار الطریقه و أسرار الشریعه، تحقیق و تعلیق سید محسن موسوی تبریزی، قم: نور علی نور، ۱۳۸۲ش.
۲۱. بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الایات و الاخبار و الاقوال: فی أحوال سیده النساء فاطمة الزهراء علیها السلام، الطبعة الثانیه، قم: تحقیق و نشر مؤسسه الامام المهدی علیه السلام، ۱۴۱۱ق.
۲۲. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه بعثه، ۱۳۷۴.
۲۳. بخاری، محمی بن اسماعیل، مختصر صحیح بخاری، به اختصار ابو العباس زین الدین احمد بن احمد بن عبدالطیف الشرجی الزبیدی و ترجمه عبدالقادر ترشابی، ج ۲، زهدان: حرمین، ۱۳۸۸.
۲۴. بروجردی، سید ابراهیم، تفسیر جامع: جمع آوری شده از تفسیر امام علیه السلام و عیاشی و کتب اخبار معتبره بانضمام ترجمه تفسیر علی بن ابراهیم قمی، مشهد: نشر کتابخانه صدر، ۱۳۳۹.
۲۵. جان احمدی، فاطمه، تصویر محمد صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت زهرا علیها السلام در دایره المعارف اسلام، ترجمه و نقد زیر نظر محمود تقی زاده داوری، ج ۱، قم: مؤسسه شیعه شناسی قم، ۱۳۸۸ش.
۲۶. جزائری، نعمت الله بن عبدالله، ریاض الابرار فی مناقب الائمة اطهار، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۷ق/۲۰۰۶م.
۲۷. جلالی، محمدحسین، انوار جاویدان، قم: صحافی عدالت، ۱۳۶۲ش.
۲۸. جوزی القرشی البغدادی، ابی الفرج جمال الدین عبدالرحمن بن علی بن محمد، زاد المسیر فی علم التفسیر، جزء الخامس، الطبعة الرابعه، بیروت: المکتب الاسلامی، ۱۹۸۷م-۱۴۰۷ق.
۲۹. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق مصطفی عبد القادر عطا، الطبعة الاولى، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.
۳۰. حسینی استرآبادی، سید شرف الدین، تأویل الایات الظاهره، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۹ق.
۳۱. حلی، شیخ عزالدین ابو محمد الحسن بن سلیمان بن محمد، المحتصر، تحقیق سید علی اشرف، مطبوعه شریعت، الطبعة الاولى، نجف: المکتبه، ۱۴۲۴ق/۱۳۸۲ش.
۳۲. خباززاده کاشانی، حبیب الله، خورشه های گل افشان: ناب سروده های ولایی و عاشورایی خباز کاشانی، به اهتمام محسن حافظی، ج ۱، قم: جمال، ۱۳۸۶ش.
۳۳. خضری بک، شیخ محمد، نور الیقین فی سیره سید المرسلین محمد صلی الله علیه و آله و سلم، تحقیق حمدی زمزم، دمشق - سوریه: بی نا، ۱۹۸۸م.
۳۴. خطیب بغدادی، الامام الحافظ ابی بکر احمد بن علی، تاریخ بغداد: أو مدینه السلام، جزء

- الخامس، دراسه و تحقیق مصطفی به عبدالقادر عطا، ۱۴۱۷ق.
۳۵. داعی آرانی، ملاحسن، *دیوان قصاید*، به کوشش حبیب‌الله سلمانی آرانی، چ ۱، قم: نور السجاد، ۱۳۸۳ش.
۳۶. راوندی، قطب‌الدین، *الخرائج و الجرائح*، الجزء الاول، مؤسسه امام مهدی علیه السلام، چ ۱، قم: المطبعة العلمیه، ۱۴۰۹ق.
۳۷. رسولی محلاتی، سیدهاشم، *زندگانی حضرت محمد خاتم النبیین صلی الله علیه و آله*، چ ۱۲، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ش.
۳۸. زکی زاده رنانی، علیرضا، *پژوهشی قرآنی و روایی درباره معراج پیامبر صلی الله علیه و آله*، چ ۱۱، قم: زائر آستان مقدس، ۱۳۹۶ش.
۳۹. زمخشری الخوارزمی، ابی القاسم جارالله محمود بن عمر، *الكشاف عن حقایق التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل*، بیروت-لبنان: دار المعرفة، بی تا.
۴۰. سبحانی، جعفر، *فروع ابدیت: تجزیه و تحلیل کاملی از زندگانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله*، چ ۱۷، قم: بوستان کتاب، ۱۳۴۵ش.
۴۱. سیوطی، جلال‌الدین، *الدر المشور فی التفسیر بالمأثور*، صححها و خرج احادیثها الشیخ نجدت نجیب بتقدیم عبدالرزاق المهدی، بیروت-لبنان: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق/۲۰۰۱م.
۴۲. شامی، یوسف بن حاتم، *الدر النظیم فی مناقب الائمة اللہامیم*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۰ق.
۴۳. شبر، السید عبدالله، *تفسیر القرآن الکریم*، راجعه حامد حنفی داود، الطبعة الثانية، بیروت-لبنان: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۴۴. شریف لاهیجی، بهاء‌الدین محمد بن شیخعلی، *تفسیر شریف لاهیجی*، تصحیح میر جلال‌الدین حسینی ارموی محدث، چ ۳، تهران: داد، ۱۳۷۳.
۴۵. شعار، جعفر، *تاریخ بناکتی: روضة الالباب فی معرفة التواریح و الانساب*، تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۴۸.
۴۶. شیبانی المعروف بابن الاثیر، عزالدین ابی الحسن علی بن ابی الکریم، *الکامل فی التاریخ*، تحقیق مکتب التراث، تابع الرسل و الانبیاء و بداية الهجرة النبویه، بیروت-لبنان: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۳۰ق/۲۰۰۹م.
۴۷. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، *الفصول المهمة فی أصول الائمة*، تصحیح محمد بن محمد الحسین القائینی، قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام، ۱۳۷۶ش/۱۴۱۸م.
۴۸. صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله، *درآمدی بر افکار و عقاید غالیان در دین*، تهران: کویر، ۱۳۸۴.
۴۹. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *ترجمه علل الشرایع و الاسلام*، ترجمه حسین قاسمی، چ ۱، قم:

امین الله، ۱۳۸۸.

۵۰. صدیقی، ماشاءالله، صلاهی عشق، کاشان: نشر یاران مهدی علیه السلام، ۱۳۸۸.

۵۱. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، تهران: محمدی، ۱۳۵۳.

۵۲. طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ترجمه علی کرمی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰.

۵۳. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، تصحیح محمدباقر خراسان، مشهد: مرتضی، ۱۴۰۳ق.

۵۴. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری بأعلام الهدی، تهران: اسلامی، ۱۳۹۰ق.

۵۵. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الامامة، تصحیح قسم الدراسات الاسلامیة مؤسسه البعثه، قم: بعثت، ۱۴۱۳ق.

۵۶. —، نوادر المعجزات فی مناقب الائمة الهدی علیهم السلام، تصحیح باسم محمد اسدی، قم: دلیل ما، ۱۴۲۷ق.

۵۷. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری: تاریخ الرسل و الملوک، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲-۱۳۸۹ الکترونیک.

۵۸. عاملی، جعفر مرتضی، سیره صحیح پیامبر بزرگ اسلام، ترجمه حسین تاج آبادی، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی آزاد گرافیک، ۱۳۷۳.

۵۹. —، الصحیح من سیره النبی الاعظم صلی الله علیه و آله، الطبعة الرابعة، بیروت- لبنان: دار الهادی، ۱۹۹۵م/۱۴۱۵ق.

۶۰. عسیلی عاملی، علی، الاسراء و المعراج: نظرة العامة: دراسة و تحلیل، الطبعة الثانية، بیروت: الدار الاسلامیة، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م.

۶۱. علوی حسینی موسوی، میر جعفر، تفسیر القرآن کشف الحقایق عن نکت الایات و الدقایق، ترجمه عبد المجید-صادق نوبری، چ ۵، تهران: کتابخانه نوبر، ۱۳۶۱ش.

۶۲. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعة العلمیة، ۱۳۸۰ق.

۶۳. عیاشی راوندی (متخلص به رسا)، علی اکبر، سوز رسا، کاشان: مجمع متوسلین به آل محمد صلی الله علیه و آله، ۱۳۹۶.

۶۴. غفاری مازندرانی، نظام الدین احمد، شرح و ترجمه احتجاج طبرسی، تصحیح پاکتچی، تهران: کتابفروشی مرتضوی، بی تا.

۶۵. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، قم: رضی، ۱۳۷۵ش.

۶۶. فرات کوفی، ابی القاسم فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تحقیق محمد الکاظم، ج ۲، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات، ۱۴۱۶ق.
۶۷. فروتن (متخلص به کاشانی)، حسن، نعمة کاشانی، ج ۱، اصفهان: صغیر، ۱۳۸۳.
۶۸. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ۱۴۰۶ق.
۶۹. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، نوادر الاخبار فیما يتعلق بأصول الدین للفیض، تصحیح مهدی انصاری قمی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۱.
۷۰. قاری زاده کاشانی، محمود، تجلی سعادت، پندیات، قصاید، مثنویات، سروده های مذهبی، نوحه های سینه زنی، ج ۱، قم: برهان، ۱۳۷۲.
۷۱. قرموشی، عمر بن صالح بن حسن، «الاسراء والمعراج و مسائل العقیدة فیهما»، اشرف الدكتور احمد بن عبداللطیف آل عبداللطیف، رساله مقدمه لنیل درجه الماجستير فی العقیدة، العربية السعودية وزارة التعليم العالی: جامعة ام القرى، ۱۹۹۷م/۱۴۱۸ق.
۷۲. قسطلانی، ابی العباس شهاب الدین احمد بن محمد، ارشاد الساری الشرح الصحیح البخاری، و بهامشه صحیح مسلم بشرح النووی، الطبعة السابعة، بیروت - لبنان: دار الكتاب العربی، ۱۳۲۳ق.
۷۳. قسطلانی، الشیخ احمد بن محمد، المواهب اللدنیة بالمنح المحمدیة، شرح و علّق علیه المأمون بن یحیی الدین الجنان، طبعة جدیدة کامله، بیروت-لبنان: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۶ق/۱۹۹۶م.
۷۴. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقایق و بحر الغرایب، تصحیح حسین درگاهی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۶۸.
۷۵. قمی، عباس، منتهی الآمال: شامل زندگانی حضرت رسول اکرم و اهل بیت نبوت علیهم السلام، تصحیح فرید فتحی و سعید خراطها زیر نظر رضا مرندی، ج ۲، تهران: انتشارات مقدس، ۱۳۷۹.
۷۶. قمی، علی ابن ابراهیم، ترجمه تفسیر قمی، ترجمه جابر رضوانی، ج ۱، قم: بنی الزهراء، ۱۳۸۸.
۷۷. قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودة لذوی القربی، تحقیق سید علی جمال اشرف الحسینی، الطبعة الثالثة، طهران-قم: دار الاسوة للطباعة و النشر، ۱۴۱۶ق/۱۳۷۵ش.
۷۸. کاشانی، ملا فتح الله، تفسیر کبیر منهج الصادقین، تصحیح حاج میرزا ابوالحسن شعرانی، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۴۶.
۷۹. کاظمی، شیخ ماجد، روایات ساختگی: بررسی و نقد پاره ای از روایات جعلی، دفاع از مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۱، قم: دار الهدی، ۱۳۹۶.
۸۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الروضة من الکافی یا گلستان آل محمد، ترجمه کمره ای، تهران: کتابفروشی اسلامیة، بی تا.
۸۱. مالکی المکی الشهیر بابن الصباغ، علی بن محمد بن احمد، الفصول المهمة فی معرفة احوال

۳۱۲ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال دوازدهم، شماره بیست و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

- لائمه علیه السلام، نجف: مطبعة العدل فی النجف نشریات مكتبة دار الكتب التجارية، بی تا.
۸۲. مجاهدی، محمدعلی، شکوه تماشایی، چ ۱، تهران: نشر تکا (توسعه کتاب ایران)، ۱۳۸۷ ش.
۸۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الائمة، تصحیح جمعی از محققان، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق و ۱۴۱۲ ق.
۸۴. —، حیوة القلوب: تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، تحقیق سید علی امامیان، چ ۱، قم: عصر ظهور، ۱۳۸۹.
۸۵. —، مرآة العقول فی شرح أخبار آل رسول: شرح کتاب الکافی الکلینی، تهران: دار الكتب الاسلامیه، ۱۴۱۱ ق/۱۳۶۹ ش.
۸۶. مجلسی، محمدتقی بن مقصودعلی، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، تصحیح حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهاردی، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، ۱۴۰۶ ق.
۸۷. مستنبت، سید احمد، القطره: قطره ای از دریای فضایل اهل بیت علیهم السلام، جلد اول به ترجمه محمد ظریف و جلد دوم به ترجمه محمدحسین رحیمیان، چ ۹، قم: حاذق، ۱۴۳۰ ق.
۸۸. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۸.
۸۹. مغنیه، محمدجواد، فضیلت های امام علی علیه السلام، ترجمه سید عبدالرزاق سیادت، چ ۱، قم: مؤسسه دار الكتاب الاسلامی، ۱۳۸۶.
۹۰. مغنیه، محمدجواد، التفسیر الکاشف، الطبعة الثالثة، بیروت - لبنان: دار العلم للملایین، ۱۹۸۱.
۹۱. میدی، ابوالفضل رشیدالدین، کشف الاسرار و علة الابرار معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری، به اهتمام علی اصغر حکمت، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۹ ش/۱۳۸۰ ق.
۹۲. نبهانی، یوسف بن اسماعیل، الانوار المحمدیه من المواهب اللدنیه، بی جا: دار الفکر، بی تا.
۹۳. واصف بیدگلی، دیوان واصف بیدگلی، با مقدمه عباس بهنیا و تحقیق و تصحیح احمد بیدگلی، آران و بیدگل: نشر مکتب بیدران، ۱۳۹۲.
۹۴. وشنوی، محمد قوام، حیاة النبی و سیرته، باشراف رضا الاستادی، دار الأسوة للطباعة والنشر، ۱۴۱۶ ق.
۹۵. هارونی مقدم آرنی (آیت)، حسن، یک آسمان ستاره، قم: نشر حوقبین، ۱۳۹۱.
۹۶. هبثی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، الجزء التاسع، بتحریر العراقی و ابن حجر، الطبعة الثالثة، بیروت - لبنان: دار الكتاب العربی، ۱۴۰۲ ق/۱۹۸۲ م.
۹۷. یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، چ ۹، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲ ش.
۹۸. یونسیان، حسین، ودیعة الرسول، چ ۱، تهران: نشر برهان، ۱۳۷۴.